

تجارت قرن بیست و یکم

رابرت تی کیوساکی

با همکاری

جان فلمنگ و کیم کیوساکی

محسن جواهری

نشر درنا قلم

تهران، ۱۳۹۹

ویا نسخه

۱۹	نستخنا مانند پایانی پیری راه نشسته و ترکیه شد
۱۸	از همین کیم برای این اتفاق و حادثه هم استگی داشت
۱۷	نامه هایی که می خواسته بودند پایانی اینکه رفته
۱۶	بدهم در کارخانه ای که نیزه ای داشتند که نهاده
۱۵	حال پیش از اینکه نشسته باشد آنها باید از این
۱۴	سرمه لعنتی و بیلی خنثی ای اینکه کوئی نیزه
۱۳	باشد اینکه همچنان که عینکی ای اینکه نیزه
۱۲	آنچه ای اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۱۱	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۱۰	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۹	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۸	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۷	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۶	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۵	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۴	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۳	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۲	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۱	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه

فهرست

۶۷	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۶۶	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۶۵	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۶۴	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۶۳	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۶۲	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۶۱	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۶۰	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۵۹	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۵۸	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۵۷	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۵۶	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۵۵	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۵۴	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه
۵۳	نیزه مانند پایانی اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه

قسمت اول

اختیار آینده خود را به دست بگیرید.....۵

۷	فصل اول: قوانین تغییر کرده اند
۱۷	فصل دوم: روزنه امید.....
۲۷	فصل سوم: کجا زندگی می کنید؟
۳۵	فصل چهارم: ارزشهاي اصلی مالی شما.....
۴۵	فصل پنجم: طرز فکر یک کارآفرین.....
۵۳	فصل ششم: زمان آن رسیده که کترل را به دست بگیریم.....

بدهست اوردن نیروت را این رایه من آموختند و در آنچه در جمیع مکتبهای
کوچکتر پیشنهاد داده ای را که من بخواهید ملکیت خود را در ۲۰۰۰ هکتاری از زمین موسس
تئاتر شم را مسح کرد اخراج شد. اما ملکیت این زمین را با خوشبختانه ایلیا کلیساخانی که
به طلاقه لومپال شنیده بود که مبلغ تغیر احوال ملکیت این زمین را برابر با مبلغ این
بلعده بودند آغاز شد و چنانچه با تأثیر این مبلغ و با کمک ایوان انتظامی که قدر مبلغ
که ایوان ملکیت موقوفه موقوفه این مالکیت را میگذاشت که این مبلغ میتواند این مبلغ
با اخراج ایوان مملکت اسلامی را باعث شده باشد. اما ایلان و ملک مسح شده ایان را که ایلان
نمیگذرد و ملک مسح شده ایان را که ایلان نمیگذرد و ملک مسح شده ایان را که ایلان
مقدار ۴۰

اقتصاد بهم ریخته، شغل شما با مشکل رویه رو شده، شاید هم بیکار
شده اید. سالها پیش به این بحران اشاره کردم. اما باید چنین بحرانی رخ
می داد تا به گوش همه برسد. این کتاب دریاره علل و چگونگی خراب
شدن اوضاع اقتصادی نیست. بلکه روش های تبدیل خبرهای بد به
خبرهای خیلی خوب را یاد می دهد.

تجارت را از دو نفر یاد گرفتم. یکی پدرم که فردی تحصیل کرده و
کارمند عالی رتبه بود و دیگری دوست او که تا کلاس هشتم درس خوانده
و میلیونری خود ساخته بود. پدرم در طول عمرش مشکلات مالی بسیار
داشت و وقتی که فوت کرد، مال اندکی از خود بر جای گذاشت. اما
بهترین دوست پدرم، یکی از ثروتمندترین افراد هاوایی شد.

این دو در زندگی من "پدر فقیر" و "پدر پولدار" بودند. به پدرم علاقه
فراوان داشتم و او را بسیار تحسین می کنم. و با خود عهد بستم تا در
حد توانم به تمامی افرادی که شکستهای مالی و دشواریهای زندگی او

فصل اول

قوانين تغيير 55 آند

در دوران دشواری زندگی می‌کنیم. چند سال گذشته عناوین خبری، اتفاقهای کنفرانس مدیران و منازل سراسر آمریکا پر از ترس و نگرانی مدام بوده است. جهانی‌سازی، استفاده از منابع خارج سازمانی، کوچکتر کردن شرکتها، حراج خانه‌هایی که به بانکها بدھی دارند، وامهای مسکن به افراد فاقد شرایط، مشکلات اعتباری، شیادی، سقوط وال استریت، رکود اقتصادی و... یکی بعد از دیگری به خبرهای بد اقتصادی اضافه می‌کنند.

ظرف چند ماه اول سال ۲۰۰۹ تعداد افرادی که توسط شرکتهای آمریکایی از کار بیکار شده‌اند به ۲۵۰ هزار نفر در ماه رسید. اوخر سال ۲۰۰۹ که مشغول نوشتمن این کتاب بودم، بیکاری در آمریکا به ده و دو دهم درصد رسیده بود و هنوز هم رو به افزایش است. کم‌اشغالی (بیکار نیستید اما ساعات کاری و حقوق شما به شدت کاهش دارد) از این هم بیشتر است. کاهش گسترده در اشتغال‌زایی مانند یک بیماری همه‌گیر

ورشکستگی روی لبۀ تیز قرار گرفته‌اند و هر ماه منتظر حقوق خود برای پرداخت هزینه‌ها هستند. بویژه آنکه پس انداز آنها یا بسیار اندک است یا هیچ پس اندازی ندارند. حقوق ماهانه یعنی "داد و ستد وقت در برابر پول"، در زمان رکود اقتصادی کم اعتبارترین منبع درآمد به شمار می‌رود. دلیل آن کاهش اشتغال‌زایی در شرایط رکود اقتصادی است که منجر به کاهش حقوق قابل پرداخت برای وقت شما می‌شود.

من که بهت گفتم

با این که نمی‌خواهم بگویم من که بهت گفتم، اما... من که بهت گفتم. سالها است که گفته‌ام چیزی به نام شغل ثابت و امن وجود ندارد. بخش خصوصی دایناسور قرن بیستم است که در آستانه انقراض قرار گرفته و تنها راه برای امنیت واقعی آینده، گرفتن اختیار آینده در دستهای خود شما است.

در کتاب مدرسه تجارت برای افرادی که می‌خواهند به مردم کمک کنند در سال ۲۰۰۱ نوشتم:

به نظر من آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی باید منتظر یک بحران شدید اقتصادی باشند که نتیجه نداشتن نظام آموزش واقعی برای آموزش مسائل اقتصادی به دانش آموزان است.

همان سال در مصاحبه‌ای با نایتینگیل کونانت گفتم:

شده که عده معدودی از آن مصون هستند. از رؤسا و مدیران متوسط تا کارمندان و کارگران، از بانکداران تا فروشنده‌ها، همه در معرض خطر هستند. حتی در حرفه بهداشت و درمان هم که تا همین اوآخر منطقه امن کاری محسوب می‌شد، کاهش تعداد کارکنان به صورت عمده دیده می‌شود.

در یکی از نظرسنجهایی که در روزنامه یواس ای توودی در سال ۲۰۰۹ انجام شده، ۶۰ درصد آمریکاییهای شرکت‌کننده بر این عقیده بودند که شرایط اقتصادی کنونی بزرگ‌ترین بحران زندگی آنها به شمار می‌رود.

در پاییز سال ۲۰۰۸ بسیاری از اوراق بهادر بازنیستگان نیمی یا حتی بیشتر ارزش خود را از دست داد. معاملات املاک سقوط کرد. آنچه به نظر مردم دارایی محکم و قابل اعتماد بود، به استحکام بخار آب شد. امنیت شغلی از بین رفت و به گذشته سپرده شد. در یکی از نظرسنجهایی که در روزنامه یواس ای توودی در سال ۲۰۰۹ انجام شده، ۶۰ درصد آمریکاییهای شرکت‌کننده بر این عقیده بودند که شرایط اقتصادی کنونی بزرگ‌ترین بحران زندگی آنها به شمار می‌رود.

البته شما همه این مسائل را می‌دانید. اما شاید ندانید که اینها مطالب جدیدی نیستند. شاید هم تنها یک بحران اقتصادی بزرگ می‌توانست بسیاری را از خطری که زندگی آنها را تهدید می‌کرد، آگاه کند. درآمد شما ظرف یک شب در معرض خطر قرار نگرفته، بلکه همیشه در معرض خطر بوده است. اکثر مردم آمریکا سالهای است که بین قابلیت پرداخت بدھی یا